روابط ایران و اسرائیل

رضوی، محسن

و با حضور قوای خارجی در ایران مخالفت کردند.روزنامه‏ی باختر در سرمقاله یکی از شماره‏های خود زیر عنوان«برای آقای کافتارادزه‏ ترجمه کنند»،صریحا اعلام داشت که تا یک سرباز خارجی در ایران‏ است و کشور ما در حال جنگ به سر می‏برد،نباید به این و آن امتیازی‏ داد و اضافه کرده بود:هم‏اکنون در مناطقی که سربازان ارتش سرخ و قوای انگلیس در تصرف دارند،دولت ایران هیچ اختیار و قدرتی ندارد. با چنین وضع متشنجی چه‏گونه ملت ایران می‏تواند تن به دادن امتیاز نفت شمال بدهد و آینده‏ی خود را به خطر بیندازد.

روزنامه‏ی کشور نیز سرمقاله‏ی خود را تحت عنوان«آقای‏ کافتاردزه تشریف ببرید»به موضوع نفت شمال اختصاص داد که مورد اعتراض سفیر شوروی واقع شد و از دولت ایران خواست تا روزنامه و مدیرش توقیف و تحت تعقیب قرار گیرد.

روزنامه‏ی مرد امروز در صفحه‏ی اول خود کلیشه یا تصویری از حضرت زرتشت و محمد ساعد تعبیه و انتشار داد که زرتشت در حالی که کلید منابع زرخیز ایران را به ساعد مراغه‏ای نخست‏وزیر اهدا می‏کرد،می‏گفت:«آن را محکم نگاهدار».به‏علاوه روزنامه‏ی مرد امروز ترجمه‏ی یک مقاله از یکی از روزنامه‏های کشور سوئیس را با عنوان«آغاز تهاجم شوروی در ایران»در همان شماره درج کرده بود که منجر به شکایت سفارت شوروی و توقیف روزنامه و تعقیب مدیرش‏ شد.در روزنامه‏ی شباهنگ دو مقاله‏ی بسیار موثر یکی به قلم دکت‏ ذبی اللّه صفا و دیگری به خامه‏ی دکتر حسین خطیبی انتشار یافت و شدیدا با دادن امتیاز نفت به هر خارجی مادام که قوای بیگانه در خاک‏ ایران هستند،مخالفت شده بود.سایر روزنامه‏های ملی نیز بر همین‏ پایه‏ها مجاهده کردند.

روز سوم آبان ماه 1323 کافتارادزه در یک کنفرانس مطبوعاتی که‏ جمعی از روزنامه‏های ملی و چپ‏گرا حضور یافته بودند،اظهار داشت‏ که«جناب آقای نخست‏وزیر در مذاکرات خود با این جانب نه تنها حسن تلقی کامل و وارد بودن به موضوع را اظهار نمودند،بلکه وعده‏ داده بودند که برای حل مثبت مسأله کمک و مساعدت نمایند،ولی‏ چنان که معلوم است دولت ایران تصمیمی مبنی بر این که مطالعه‏ی‏ مسأله‏ی واگذاری امتیاز را به دولت شوروی تا پایان جنگ موکول‏ سازد،اتخاذ نموده که در حقیقت ردّ پیشنهاد ما می‏باشد.این جانب باید به صراحت و به طور آشکارا اظهار نمایم که تصمیم فوق در محافل‏ شوروی کاملا به طور منفی تلقی گردیده است.افکار عمومی شوروی‏ بر این عقیده است که دولت جانب آقای ساعد به وسیله‏ی اتخاذ چنین‏ رویه‏یی درباره‏ی پیشنهاد دولت شوروی در راه تیرگی مناسبات بین دو کشور قرار گرفته است.دولت جناب آقای ساعد به نفع تصمیم اتخاذی‏ خود هیچ دلیل قانع کننده‏یی،نیاورده است...»

کافتارادزه در پایان اظهارات خود گفت:«...ضمنا هم امیدوار می‏باشم که افکار عمومی ایران که مطبوعات آزادی طلب ایران‏ نماینده‏ی آن می‏باشد در پیشرفت این کار سهیم خواهد بود...».

چهار روز پس از کنفرانس مطبوعاتی کافتارادزه،محمد ساعد در کاخ وزارت امور خارجه با حضور ارباب قلم به بیانات کافتارادزه پاسخ‏ داد و این پاسخ در مجلس شورای ملی،روزنامه‏های ملی و افکار عمومی با حسن اثر مواجه شد.

اخیرا آقای احمدی‏نژاد رئیس جمهور کشورمان در مقام دفاع از حقوق اعراب و لزوم بیرون راندن یهود از فلسطین سخنانی گفته‏اند؛ شما هم در ماهنامه در شماره‏ی دوم(اردیبهشت 1383)مقاله‏یی‏ راجع به روابط ایران و اسرائیل در قبل از انقلاب نوشته‏اید؛لازم دانستم‏ اطلاعات مفید دیگری را در این زمینه به اطلاع خوانندگان برسانم.اما قبل از هر چیز می‏خواهم بگویم موضع آقای دکتر احمدی‏نژاد در خصوص اسرائیل،بر محبوبیت دولت جمهوری اسلامی ایران در بین‏ اعراب و مسلمانان افزوده،هر چند دولت‏های غربی این موضع‏گیری‏ را نشانه‏ی جنگ‏طلبی مسلمین شمرده و می‏گویند فرصت‏ مسلح شدن به انرژی هسته‏یی را باید از ایران سلب کرد.

باری،سازمان ملل متحد در آوریل 1947 به منظور بررسی‏ موضوع فلسطین با شرکت نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل‏ متحد کمیته‏یی یازده نفر از کشورهای استرالیا،کانادا،گواتمالا، هندوستان،ایران،هلند،پرو،سوئد،چکسلواکی،اوروگوئه و یوگسلاوی‏ تشکیل داد تا پس از تحقیق و بررسی‏های لازم،پیشنهادات خود را به منظور حل مساله‏ی فلسطین ارائه دهند.

شاخه‏ی اکثریت اعضای کمیته‏ی ویژه‏ی فلسطین(کانادا، چکسلواکی،گواتمالا،هلند،پرو،سوئد و اروگوئه)طرح تقسیم‏ فلسطین به دو کشور مستقل عرب و یهود را همراه با یک منطقه‏ی‏ بین‏المللی در بیت المقدس ارائه داد.اما گروه اقلیت کمیته‏ی ویژه‏ (ایران،هند و یوگسلاوی)تقسیم فلسطین را غیر عملی و غیر موثر و برخلاف منافع اعراب دانست.آن‏ها معتقد بودند که رفاه کلی کشور و تمامی مردم آن بر آمال یهودیان برای تاسیس کشور یهودی برتری‏ دارد.بنابراین،پیشنهاد یک کشور مستقل فدرال را در فلسطین ارائه‏ دادند.

فضل الله نور الدین کیا-معاون اداره‏ی سازمان ملل متحد وزارت‏ امور خارجه-که از نزدیک شاهد فعالیت‏های نمایندگان ایران در کمیسیون ویژه بوده است،درباره‏ی مواضع ایران نسبت به مساله‏ی‏ فلسطین در کتاب خاطرات خود می‏نویسد:

نصر الله انتظام-رئیس نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل-به‏ اتفاق دکتر علی قلی اردلان-مستشار سفارت ایران در آنکار-برای‏ شرکت در این کمیسیون به فلسطین عزیمت نموده بودند و بیش‏تر گزارش کمیسیون،مدیون نظریه و کاردانی آن‏ها می‏باشد... نمایندگی ایران در بدو ورود به فلسطین با دو سیاست متضاد مواجه‏ گردید:

1-از آن‏جا که اعراب با ایران از قدیم الایام،پیوسته روابط فرهنگی‏ و اقتصادی داشتند و از طرف دیگر وجه اشتراک مذهب اسلام نیز پیوسته ما را با آن‏ها دارای منافعی مشترک ساخته بود،خواهی نخواهی‏ ما نمی‏توانستیم با آن‏ها مخالفت نماییم؛

2-یهودی‏ها(نیز)دارای ثروت و نفوذ سرشاری در دنیا به خصوص در امریکای شمالی بودند؛لذا نمایندگان ما با توجه به منافع‏ ملی نمی‏خواستند صراحتا با یهودی‏ها مخالفت نمایند و اصولا از طرف دیگر،تا آن تاریخ سیاست ایران در فلسطین بر اساس بی‏طرفی‏ استوار بود؛

لذا برای این که به طرفداری از اعراب و یا یهود متهم نشده و ضمنا از حق هر دوی آن‏ها هم دفاع کرده باشد،موافقت دولتین هند و یوگسلاوی را جلب نموده و طرح یک کشور ائتلافی از یهود و اعراب‏ را که ضمنا وحدت فلسطین نیز در آن محفوظ بماند،پیشنهاد نمود.

نصر الله انتظام راجع به مناقشه‏ی اعراب و اسرائیل و تصمیمات‏ متخذه در خصوص تقسیم فلسطین،گزارش مفصلی را به وزارت امور خارجه ارسال کرد.توجه به این گزارش،علاوه بر دارابودن نکته‏های‏ قابل توجه،به جهت اهمیت مساله‏ی فلسطین در نزد مردم جهان پس‏ از گذشت بیش از پنجاه سال می‏تواند ما را با فضای آن زمان و تصمیم‏ ناعادلانه‏ی قدرت‏های بزرگ و سازمان ملل آشنا سازد.در این گزارش‏ وی با اشاره به ویژگی‏های طرح پیشنهادی خود(گروه اقلیت)معتقد است اگر اعراب آن را مورد پذیرش قرار داده بودند،منافع آن‏ها تامین‏ می‏شد.انتظام در این ارتباط می‏نویسد:

«برای این‏که خود را به طرفداری اعراب متهم نساخته و ضمنا از نظرات حقه‏ی آن‏ها دفاع کرده باشیم،طرحی پیشنهاد کردم و موافقت‏ نمایندگان هند و یوگسلاوی را هم جلب نمودم.طرح این جانب مبنی‏ بر ایجاد دولت ائتلافی Estat federal بود که از یهود و عرب تشکیل‏ گردد و وحدت فلسطین محفوظ ماند..

خلاصه آن از این قرار است که عرب و یهود در امور داخلی‏ مستقل باشند و حکومت مرکزی به وسیله‏ی دو مجلس که یکی‏ نماینده‏ی مستقیم اهالی و به آرای مستقیم،انتخاب و دیگری به‏ عده‏ی مساوی از نمایندگان انتخابی عرب و یهود تشکیل گردد،اداره‏ شود.رئیس کشور را از این دو مجلس انتخاب(می‏کنند)و دولت هم‏ در مقابل آن‏ها مسوول خواهد بود.کلیه‏ی قوانین باید به تصویب هر دو مجلس برسد و در صورت بروز اختلاف بین مجلسین،رأی‏ کمیسیون مخصوص که به کمیسیون وساطت معروف و به ترتیب ذیل‏ انتخاب خواهد شد(رئیس کشور،یک نماینده از طرف هر یک از مجلسین و دو نفری که دیوان عالی تعیین نماید)قاطع خواهد بود.اگر این پیشنهاد قبول می‏شد،منافع ارعاب را که اکثریت با آن‏هاست، تامین می‏نمود و چون اختیارات حکومت مرکزی را زیاد منظور داشته‏ و حل قضیه‏ی مهاجرت را که اساس اختلاف است،به دولت مرکزی‏ محول کرده بودیم،دیگر نگرانی برای اعراب باقی نمی‏ماند...»

اما یهودی‏ها با پیشنهاد طرح تقسیم(گروه اکثریت)موافق بودند. وی به طور خلاصه درباره‏ی خصوصیات طرح تقسیم می‏نویسد:

«اساسش این است که فلسطین به دو دولت مستقل عرب و یهود منقسم گردد.منتها چون این خاک فقیر،توانایی این که جدا جدا حوایج‏ اقتصادی دو دولت را برآورد،ندارد،قرار شد اتحاد اقتصادی و گمرکی‏ بین آن‏های ایجاد گردد تا قسمت اعظم مخارج دو دولت از محل عواید مشترکه مانند گمرک،پست،تلگراف و...تامین گردد.ضمنا شهر قدس(که بیت المقدس می‏گوییم)که از عرب و یهود تشکیل گردیده‏ و کعبه‏ی مسیحیان است،وضع خاصی داشته و به صورت بین المللی‏ تحت نظر شورای قیمومت ملل متحد اداره شود،یهودیان با پیشنهاد تقسیم موافق بوده و از روز اول موافقت خود را اعلام داشتند و با ایجاد دولت ائتلافی مخالفت نمودند...»

انتظام،دیدگاه قدرت‏هایی هم‏چون امریکا،شوروی و اتحاد آن‏ها را بر سر تقسیم فلسطین چنین مطرح می‏کند:

«در طی این مذاکرات،نماینده‏ی شوروی هم که تا آن وقت‏ رویه‏ی آن‏ها معلوم نبود و اعراب هم به امید جلب موافقت آن کشور از هیچ نوع معاشرت با آن‏ها خودداری نداشتند،با تقسیم فلسطین‏ موافقت نمود.بقیه‏ی دول معظم که فرانسه و چین باشند؛بیانات‏ مجملی نموده،نظر صریحی اظهار نداشتند.از آن‏جا که اکثریت‏ نمایندگان دول آمریکای لاتین هم طرفدار تقسیم بودند،وضع اعراب‏ مشکل‏تر شد...دولت امریکای لاتین هم طرفدار تقسیم بودند،وضع‏ اعراب مشکل‏تر شد...دولت امریکا هم بر اثر فشار صهیونیون و نفوذی که کلیمیان در این کشور دارند و انتخاب رئیس جمهوری هم‏ در پیش است،به عواقب وخیم تصمیم خود پی نبردند و آن‏چه را که‏ دولت شوروی می‏خواست که بلوایی در آن‏جا برپا شود،فراهم آوردند و نفوذی که در پیش دول عرب داشتند،لااقل برای مدتی از دست‏ دادند و با وجودی که وزارت خارجه‏ی خودشان هم با این عمل موافق‏ نبود،به‏نظر او وقعی نگذاردند،شاید دیر یا زود از این کرده پشیمان‏ شوند؛زیرا اگر دنبال کار را نگیرند و از نیمه راه برگردند،مجمع عمومی‏ را مفتضح ساخته و مقصود دولت شوروی را که مبنی بر ضعف مجمع‏ عمومی و تقویت شورای امنیت است،تامین کرده‏اند و اگر به قوه‏ی‏ جبریه تصمیم مجمع را اجرا کنند،به‏جای این که قوای خود را در دفاع‏ از حق به کار برند،در راه نامشروع مصرف کرده‏اند...»

وی درباره سوء سیاست اعراب در قضیه‏ی فلسطین و رویه‏ی‏ نامناسب آن‏ها می‏نویسد:

«رویه‏ی سخت دول عرب و این که نخواستند،به نصایح هیچ‏ کس گوش دهند و به حقیقت پی‏برند،در پیشرفت منظور یهود موثر واقع شد..چون در سر دعوای فرانسه راجع به پس بردن قوا از سوریه‏ و لبنان،کمک باطنی درون امریکای لاتین را دیدند،غره شدند و تصور کردند آن دول در سر قضیه فلسطین هم از آنان پشتیبانی خواهند نمود.هر چه بنده از اردیبهشت امسال که مجمع عمومی فوق‏العاده‏ تشکیل گردید،به(گوش)آن‏ها خواندم که از اشتباه بیرونشان بیاورم‏ و بفهمانم که اگر روی مساعد نشان ندهید و رویه‏ی افراطی را ترک‏ نکنید،کسی طرف شما را نخواهد گرفت،گوش نداده،بکله از این‏ نصایح رنجیده،می‏گفتند:تذکراتم از عالم دوستی و هم‏کیشی که با ایران داریم،دور است.

...حتا روزنامه‏های عراق از این‏که دو نماینده‏ی مسلمان که‏ ایران و هند باشند،حاضر به قبول چنین راه‏حلی شده‏اند،گله کرده و ما را مرتد خواندند و حال این که خوب می‏دانستند که مساعدت بیش‏ از این مقدور نبوده است...(به هر حال)اعراب در قضیه فلسطین‏ به قدری سوسیاست به خرج دادند که دو دولتی مثل امریکا و شوروی‏ را که در همه‏ی مسائل با هم در جنگ و ستیزند،سر تقسیم فلسطین‏ متحد ساختند و آتشی در شرق بر پا کردند...»